

تحلیل فقر از منظر عدالت فضایی

مطالعه موردی: استان‌های شمالی ایران

دکتر مصطفی قادری حاجت^{۱*}، زکیه آفتابی^۲

جغرافیا و توسعه، شماره ۵۷، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۸/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۱/۱۳

صفحات: ۹۵-۱۱۰



چکیده

عدالت فضایی به حاکمیت شرایطی اشاره دارد که در آن، منابع، مزايا، قدرت و ثروت جامعه از توزیع متوازنی برخوردار باشند. تجلی این امر را می‌توان در توزیع نسبی متوازن شاخص‌های توسعه در مقیاس‌های ملی و محلی مشاهده کرد. از سویی دیگر بی‌عدالتی فضایی به حاکمیتی شرایطی اشاره دارد که منابع، مزايا، ثروت و قدرت در جامعه توزیع نامتوازنی داشته، جامعه میل به دوگانگی و شکاف ساختاری داشته و پیامدهای مختلفی را خواهد داشت. جدای از پیامدهای سیاسی و امنیتی آن، از نظر اجتماعی، حاکمیت بی‌عدالتی فضایی، پیامدهایی همچون گسترش فقر، حاشیه‌نشینی و ناهمواری‌های دیگری را دربر دارد. با توجه به تعاریف مختلف از فقر از منظر مطلق و نسبی بودن، آنچه در این مقاله مورد توجه قرار دارد فقر نسبی است که می‌توان آن را محرومیت از استانداردهای میانگین در جامعه توصیف کرد. این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی، تکیه‌بر اطلاعات کتابخانه‌ای، تجزیه‌وتحلیل دادها، تولید نقشه‌ها و استفاده از نرم‌افزار ArcGIS و Excel در بی‌مطالعه و تحلیل فقر استان‌های شمالی جمهوری اسلامی ایران از منظر عدالت فضایی است. بدین‌منظور، هفت استان خراسان شمالی، گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی به عنوان محدوده مطالعاتی انتخاب شد. نتایج نشان می‌دهد که استان خراسان شمالی جزو فقیرترین استان‌های کشور است. پس از آن، استان‌های گلستان، گیلان و اردبیل به لحاظ شاخص فقر و محرومیت در رتبه‌های بعدی قرار دارند. استان‌های مازندران، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی در مقایسه با استان‌های بیش‌گفته وضعیت مطلوب‌تری داشته و در رتبه دوم فقر و محرومیت قرار دارند. این امر در حالی است که میانگین عدالت فضایی این استان‌ها برابر با ۰,۳۴۰ بوده که از میانگین ملی عدالت فضایی (۰,۳۴۷) پایین‌تر است. براین‌اساس استان‌های خراسان شمالی (۰,۳۱۳)، اردبیل (۰,۳۱۲)، گلستان (۰,۳۲۵)، آذربایجان غربی (۰,۳۲۹)، گیلان (۰,۳۳۱)، آذربایجان شرقی (۰,۳۳۵) و مازندران (۰,۳۴۰)، به ترتیب کمترین تا بیشترین عدالت فضایی را دارند. مقایسه وضعیت استان‌های مورد مطالعه در شاخص فقر و محرومیت با وضعیت آن‌ها به لحاظ شاخص عدالت فضایی نشان داد که هر قدر شاخص عدالت فضایی استان‌ها کمتر باشد، به همان میزان فقر و محرومیت بیشتری در آن استان‌ها وجود دارد.

واژه‌های کلیدی:
فقر، بی‌عدالتی فضایی، عدالت فضایی،
استان‌های شمالی، ایران

مقدمه

دینامیسم سیاسی-اجتماعی قابل بررسی و پیگیری است. از آنجایی که فضا در بردارنده پدیده‌های گوناگونی است که ترکیب و تلفیق این پدیده‌ها به شکل‌های گوناگون، آثار متنوعی از خود بر جای می‌گذارند (حافظنیا، قادری و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۳). یکی از مهم‌ترین تجلی‌های فضایی در بیشتر جوامع پیشرفت و درحال توسعه، بی‌عدالتی فضایی است. بی‌عدالتی فضایی را می‌توان توزیع نامتوازن فرصت‌ها،

فضای جغرافیایی، محصول عملکرد عوامل بسیاری است که در این بین، نهاد سیاست و کارکرد نهادهای رسمی و شاخص آن یعنی حکومت و به‌تبع آن دولت تأثیر بسیار زیادی در کیفیت شکل‌گیری آن از منظر عدالت فضایی دارد. به همین دلیل است که در ک حوزه معنایی عدالت فضایی، مشروط به درک رابطه متقابل سیاست و فضاست. اثرات مکانیسم یادشده در قالب

نگرشی است که می‌تواند به مفهوم پردازی بیانجامد؛ در غیراین صورت، همچنان که در وضعیت کنونی می‌بینیم، بیشتر با نوعی شبۀ مفهوم پردازی روبه‌رو هستیم که بیش از آن که لایه‌ها و ابعاد اساسی تر مسئله فقر فضایی/شهری را آشکار کند، بر آن‌ها نقاب می‌زند، زیرا نمی‌تواند مسئله را در تمامیتش مفهوم پردازی کند. مسئله بیشتر به سازوکارها، فرایندها، نیروها و گرایش‌هایی مربوط است که به بازتولید سیستماتیک فقر و نابرابری فضایی در مقیاس‌های مختلف - جهانی، منطقه‌ای، ملی و شهری- می‌انجامند. یک مفهوم پردازی واقعی، نمی‌تواند صرفاً به نتایج، پیامدها، نمودها و امور جزئی محدود بماند، بلکه مهم‌تر از آن، باید بتواند پیوند این امور جزئی را با امور کلی تر شرح دهد و برهم‌کنش میان آن‌ها را تصویر کند (ترکم، ۱۳۹۷: ۲). با عنایت به رویکرد یادشده، چنانچه تمرکز بر شناسایی ریشه‌های اصلی و نیز فرایندهای زمینه‌ساز فقر نباشد، نمی‌توان به راهکارهای عملیاتی کاهش فقر و تضعیف چرخه ویرانگر آن نائل آمد. براین‌اساس، مقاله حاضر در پی بررسی تحلیل رابطه فقر و عدالت فضایی در نوار مرزی شمالی کشور است. ازین‌رو، در قالب یک رویکرد تحلیلی، تبیین ارتباط عدالت فضایی و فقر، در استان‌های شمال کشور مورد توجه قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

از جمله تحقیقاتی که در رابطه با عدالت فضایی انجام شده، می‌توان به مقاله «عدالت اجتماعی و راستی» (۱۳۸۵)، تحت عنوان «عدالت اجتماعی و عدالت فضایی؛ بررسی و مقایسه نظریات جان رالز و دیوید هاروی» اشاره کرد که به بررسی مفهوم عدالت در دو جنبه اجتماعی و فضایی از نظر این دو دانشمند پرداخته و وجود اشتراک و تمایز بین نظریات این دو دانشمند را بازگو کرده‌است.

امکانات و قدرت در فضا دانست که در ابعاد مختلفی قابل تبیین است. احساس و ادراک انسان از درجه عدالت فضایی موجود در محیط زندگی‌اش، بر جنبه‌های مختلف زندگی و رفتارها و تعاملات وی اثر می‌گذارد. بی‌عدالتی فضایی همچنین، موجب گسترش فقر و محرومیت در مناطق و فضاهای جغرافیایی کم‌قدرت می‌شود (Brad, 2017: 1)؛ بنابراین، بی‌عدالتی فضایی پدیده‌ای است که پیامدهای منفی زیادی به‌دبیال داشته و در ارزیابی ریشه‌های فقر در فضاهای جغرافیایی، یکی از موضوعات مهم و قابل توجه وضعیت عدالت فضایی در این فضاهاست. طبق آمارها و شاخص‌های کمی و کیفی عدالت فضایی موجود در سطح استانی، شاخص برخورداری از عدالت فضایی در همه جای کشور یکسان نبوده و توزیع آن ناشی از ارتباط متقابل سه‌گانه قدرت، فرصت و ثروت در یک رابطه پویاست. به‌گونه‌ای که با حرکت از استان‌های مرکزی کشور به سمت استان‌های مرزی، به تدریج از میزان کیفیت و کمیت شاخص‌های توسعه رفاه کاسته شده و بر میزان فقر و بی‌عدالتی فضایی، غیر از موارد معددی، افزوده می‌شود. مسئله فقر و نابرابری، امروزه درنتیجه موج‌های سهمگین سرمایه‌داری جهانی، در کشورهایی مانند ایران نیز اساساً فضایی شده‌است. به‌نظر می‌رسد دیدگاه‌ها و به تعبیری، گفتمان جریان غالب، عملان توائسنه‌اند. مسئله فقر و نابرابری فضایی را مفهوم پردازی کنند. منظور از مفهوم پردازی، نگرش انتقادی و مسئله محور است که درنتیجه نفوذ به لایه‌های زیرین واقعیت امکان‌پذیر است و این نیز خود به واسطه نوعی اندیشه‌ورزی ممکن است که صرفاً در بنده‌پدیدارها و نمودهای مسئله نماند، بلکه بتواند با ژرف‌کاوی، لایه‌های زیرین پدیدارها را بشکافد و سازوکارها و نیروها و گرایش‌های ساختاری یک مسئله را شناسایی، تبیین و مفهوم پردازی کند. فقط چنین

گسترهٔ فقر شهری و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیررسمی دامن می‌زنند.

مرون مطالعات پیشین نشان می‌دهد که علی‌رغم توجه به مبحث عدالت فضایی و حتی ارزیابی میزان عدالت فضایی در فضاهای مختلف به‌ویژه فضاهای شهری، پیوند و ارتباط میان بی‌عدالتی فضایی با فقر، در مقیاس استانی، صورت نگرفته است.

فرضیهٔ پژوهشی

فرض اصلی مقاله حاضر این است که بی‌عدالتی فضایی با فقر دارای همبستگی است، به‌گونه‌ای که شاخص عدالت فضایی پایین بیانگر بالابودن شاخص فقر و محرومیت در فضاهای جغرافیایی است.

متغیرهای تحقیق

متغیرهای اصلی این مقاله به صورت زیر صورت‌بندی شده‌اند:

- عدالت فضایی: در ارزیابی این متغیر از شاخص‌های هشتگانه عدالت فضایی استفاده شده که در قالب جدول (۱) ارائه شده‌است.

داداش‌پور و الوندی‌پور (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «عدالت فضایی در مقیاس شهری در ایران» به واکاوی و آسیب‌شناسی حوزهٔ نظری پژوهش‌های انجام‌شده در قلمروی میان‌رشته‌ای عدالت فضایی در مقیاس شهری ایران پرداخته و با مطالعه ۴۴ مقاله علمی-پژوهشی، با محوریت موضوعی عدالت فضایی در بازهٔ زمانی ۱۳۸۳-۱۳۹۴، چنین نتیجه می‌گیرد که پژوهش‌های انجام‌شده، به صورت فراگیری، تلقی سوسیالیستی از عدالت فضایی را مفروض گرفته‌اند؛ بنابراین در بیشتر پژوهش‌ها، رویکردی توزیعی از نوع برابری محور به بحث عدالت در شهر مورد توجه قرار گرفته و از توجه به ریشه‌های بی‌عدالتی در قالب عدالت ساختاری بازمانده‌اند.

قاسمی‌سیانی و حقی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «تبیین گسترهٔ فقر شهری و شناسایی سکونتگاه‌های غیررسمی از منظر عدالت فضایی؛ مطالعهٔ موردنی: نسیم‌شهر تهران»، به بررسی رابطهٔ عدالت فضایی با فقر شهری و گسترهٔ سکونتگاه‌های غیررسمی پرداخته و بیان می‌کند که بی‌عدالتی فضایی و توزیع ناعادلانه اعتبارات و تسهیلات بر

جدول ۱: ابعاد و شاخص‌های مؤثر در عدالت فضایی

ابعاد	شاخص‌ها
اقتصادی	سرانه درآمد نواحی شهری، سرانه درآمد نواحی روستایی، سرانه هزینه خانوار نواحی شهری، سرانه هزینه خانوار نواحی روستایی، سرانه بیکاری نواحی شهری، سرانه بیکاری نواحی روستایی، سرانه اشتغال مردان نواحی شهری، سرانه اشتغال مردان نواحی روستایی، سرانه بودجه سالیانه، سرانه مصرف برق صنعتی در هر منطقه (کیلووات/ساعت)، سرانه کارگاه‌های ۱۰۰-۵۰۰ نفر کارکن، سرانه کارگاه‌های بیش از ۵۰۰ نفر کارکن، سرانه عملکرد اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (عمرانی) استان‌ها، سرانه سرمایه‌گذاری (ارزش تغییرات اموال سرمایه‌ای) معادن در حال بهره‌برداری بر حسب نوع اموال سرمایه‌ای، سرانه عملکرد اعتبارات هزینه‌ای (جاری) دستگاه‌های اجرایی در استان‌ها از محل درآمد عمومی، سرانه فروندگاه‌های در اختیار شرکت فروندگاه‌ها و در حال بهره‌برداری.
کالبدی	سرانه مساحت کاربری فضای سبز، سرانه مساحت کاربری شبکه ارتاطی، سرانه مساحت کاربری فضای ورزشی، سرانه مساحت کاربری فضای خدماتی-تجاری، سرانه مساحت کاربری فضای فرهنگی و مذهبی، سرانه طول جاده‌ها، سرانه آب لوله‌کشی شده در نواحی شهری، سرانه آب لوله‌کشی شده در نواحی روستایی، سرانه آب لوله‌کشی شده در نواحی بزرگ‌تر، سرانه روتاها در نواحی طول آسفالت، سرانه روتاها در ارتفاعات طرح هادی، سرانه خطوط تلفن ثابت.
اجتماعی	امید به زندگی، شاخص مرگ و میر کودکان زیر پنج سال، درصد شهربنشینی، سرانه مهاجران وارد شده طی ۱۰ سال گذشته، سرانه پرونده‌های قضایی مختومه، سرانه پرونده‌های قضایی مفتوحه، سرانه توریسم.
آموزشی	سرانه تعداد مدارس در نواحی شهری، سرانه تعداد مدارس در نواحی روستایی، سرانه معلم در نواحی شهری، سرانه معلمان لیسانس و بالاتر در مقطع ابتدایی در نواحی شهری، سرانه معلمان لیسانس و بالاتر در مقطع ابتدایی در نواحی روستایی، سرانه هیئت‌علمی، سرانه دانشجویان، سرانه دانشگاه‌ها، سرانه فارغ‌التحصیلان زن دانشگاهی، سرانه فارغ‌التحصیلان تحصیلات تکمیلی، سرانه مراکز ثابت سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای کشور، سرانه مدارس شباهنگی در مقطع راهنمایی، سرانه مدارس شباهنگی در مقطع دبیرستان.
فرهنگی	سرانه باسوسایی کل جمعیت، سرانه باسوسایی زنان نسبت به کل جمعیت مردان، سرانه باسوسایی در مناطق شهری به تفکیک زن و مرد، سرانه باسوسایی در مناطق روستایی به تفکیک زن و مرد، سرانه مراکز فرهنگی، سرانه صندلی سینما.
سیاسی	سرانه نمایندگان مجلس شورای اسلامی استان‌ها، سرانه نمایندگان به جمعیت، سرانه احزاب رسمی نسبت به ۱۰۰۰۰ نفر، سرانه وزرای چهار کابینه اخیر در دولت نسبت به جمعیت، سرانه سازمان‌های غیردولتی (NGO) سرانه انتشارات، سرانه حملات مسلحان.
امنیتی	سرانه مجرمان در بنده، سرانه قتل‌ها، سرانه تجاوز به عنف، سرانه گروگان گیری، سرانه آدمربایی، سرانه مجرمان فراری، سرانه مجرمان مواد مخدور، سرانه معتادان به مواد مخدور، سرانه کشف مواد مخدر صنعتی و سنتی، سرانه مرگ و میر ناشی از خودکشی، سرانه مرگ و میر ناشی نزاع‌های خیابانی، سرانه فرماندهی تصادفات جاده‌ای.
بهداشتی	سرانه بیمارستان، سرانه تخت بیمارستانی، سرانه پزشک عمومی، سرانه پزشک متخصص، سرانه روانپردازک، سرانه پرستار، سرانه ماما، سرانه آزمایشگاه، سرانه داروخانه، سرانه درمانگاه‌های شباهنگی، سرانه میانگین سرعت خدمات اورژانس، سرانه روتاها در ارائه مرکز بهداشت فعال، سرانه مراکز توانبخشی، سرانه بزرگ‌تر از خدمات بیمه تأمین اجتماعی.

مأخذ: قادری حاجت و حافظنیا، ۱۳۹۷:

بازتاب دادن آن در سیاست‌ها و نظام برنامه‌ریزی، به افزایش ضریب تأثیر آن کمک خواهد کرد. تفکر درباره فضا در سال‌های اخیر به طور معنی‌داری، از تأکید بر نقشه‌کشی یکنواخت که فضا را ظرف فعالیت‌های انسانی می‌دید یا اینکه صرفاً ابعاد فیزیکی فضا را در فرم‌های ثابت در نظر می‌گرفت، به سمت یک نیروی فعال و بنیادی در شکل‌دهی به زندگی شهروندان تغییر جهت داده است. عدالت و بی‌عدالتی بر جنبه‌های جغرافیایی یا فضایی (بی) عدالتی تأکید دارد و به عنوان نقطه شروع، شامل توزیع منصفانه و مساوی منابع و فرصت‌ها در فضای جغرافیای است. فضای جغرافیایی، فضایی با اجزاء و ابعاد متعدد و مختلف به همراه شبکه‌ای فوق‌پیچیده از روابط میان

- فقر: در ارزیابی این متغیر از شاخص‌های اقتصادی (نسبت اشتغال، نرخ بیکاری، درآمد خانوار، قدرت پس‌انداز خانوار، سرانه پس‌انداز بانکی در هر استان، سهم استان از تولید ناخالص داخلی، ضریب جینی، رتبه استان در شاخص توسعه زیربنایی و اجتماعی و رتبه استان در شاخص محرومیت استفاده شده است.

مبانی نظری عدالت فضایی

فضاییک بعد اساسی و بنیادی در جامعه انسانی است و عدالت اجتماعی با جاری شدن در فضا عینیت می‌یابد. درک ارتباط متقابل بین فضا و جامعه در فهم عدالت فضایی ضروری اجتناب‌ناپذیر است و

نئومارکسیستی به عدالت در فضای جغرافیایی پرداخت (داداش پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶) و در دهه‌های بعد توسط محققانی از جمله رالز^۱، ساندرکاک^۲، یونگ^۳، سوجا^۴، لوسی^۵ و تالن^۶ در برنامه‌ریزی جغرافیایی شهر مورد توجه قرار گرفت (rstemi، ۱۳۹۰: ۲۱). اندیشمندان پیرو مکتب لیبرال نیز، در تعریف عدالت فضایی بیشتر بر استحقاق و شایستگی (اصل تفاوت) و آزادی فردی تأکید کرده (Prange, 2009: 16) و در نقطه مقابل، اندیشمندان پیرو مکتب سوسيالیسم، بر نیاز و برابری در توزیع و تولید و لزوم برقراری عدالت در فضاهای جغرافیایی تأکید دارند (Young, 2000: 422).

منظور از بی‌عدالتی فضایی، توزیع نابرابر فرصت‌ها، امکانات و قدرت در فضاست. نابرابری‌های فضایی می‌تواند شامل نابرابری‌های بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق محروم و برخوردار و... باشد. نابرابری فضایی موجب می‌شود تا از فضا استفاده بهینه به عمل نیاید، عدم استفاده بهینه از فضا زمینه‌ساز تراکم فقر و تشدید محرومیت برخی از مناطق را فراهم کند، باعث تضعیف انسجام ملی و جامعه شود، تخصیص بهینه و داوطلبانه نیروی انسانی به ویژه نیروی انسانی متخصص را در مناطق ناممکن می‌سازد، زمینه‌ساز مهاجرت‌های بی‌رویه شده و توزیع بهینه جمعیت در فضا را غیرممکن می‌سازد. به طور کلی نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی مهاجرت و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. همچنین نابرابری به اساس وحدت ملی آسیب می‌رساند و پیشرفت عمومی را با وقفه روبرو می‌سازد. میلبراث^۷ و گوئل^۸ (۱۹۷۷)، سالیسburی^۹ (۱۹۷۵)، منوال^۱، لایلی^۲ و ناگلر^۳ (۱۹۹۲) از جمله

این اجزا است (Mazur & Urbanek, 2014: 139). عدالت فضایی یا جغرافیایی عبارت است از برابری نسبی شاخص‌های جامع توسعه (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...) در مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی (خرد و کلان) با شاخص‌های منتظر توسعه در سطح ملی (حافظنیا، قادری و دیگران، ۱۳۹۴: ۳۳). رویکرد عدالت فضایی، به تعیین عادلانه یا ناعادلانه‌بودن رویداد خاصی کمک نمی‌کند، بلکه به بررسی فرایندهای پویایی از تشکلهای اجتماعی، فضایی، اقتصادی و سیاسی، بدین‌منظور که آیا عملکرد آن‌ها برای تولید و بازتولید بی‌عدالتی است یا عدالت، می‌پردازد. درواقع تمرکز اصلی رویکرد عدالت فضایی بر شناسایی و تبیین عوامل و فرایندهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، که این بی‌عدالتی‌ها به منزله فرم نهایی آن محسوب می‌شوند، قرار دارد. جذابیت‌های موجود برای ایجاد یک جامعه عادل به‌طور نیرومندی، محل تجمع مجدد طیف گسترده‌ای از جنبش‌های عدالت اجتماعی چون، عدالت اقتصادی، عدالت نژادی، عدالت محیطی، عدالت جهانی و... شده که با یکدیگر عدالت را هم در بعد مادی (آزادی، خرسندهای باز توزیعی) و هم در غیرمادی (آزادی، خرسندهای رضایت، فرصت، امنیت و...) مطرح می‌کنند. درک صحیح حوزه معنایی عدالت فضایی (جغرافیایی)، مشروط به درک رابطه متقابل سیاست و فضا و مکانیسم پویای آن‌هاست. این مکانیسم متقابل زمینه‌ساز مطرح شدن و فلسفه طرح عدالت فضایی در جغرافیای سیاسی است. در جغرافیای سیاسی مفهوم عدالت از سطح انتزاعی خارج شده و به سطح عینیت می‌رسد و به عبارتی دیگر مفهوم عدالت عملیاتی می‌شود. در دهه ۱۹۷۰، مفهوم عدالت فضایی در توزیع منابع و خدمات، اولین بار توسط دیوید هاروی مطرح شد و از دیدگاه

1-Rawls

2-Sunder kak

3-Young

4-Sogah

5-Lusy

6-Tallen

7-Milbruth

8-Guelle

9-Salisbury

را در مقایسه با سطح زندگی متعارف جامعه برآورد و محاسبه کرد. در ارزیابی آماری روند فقر، می‌توان به یک الگوی مشخص دست یافت، اما جابه‌جایی گروه‌های اجتماعی و بالا و پایین‌شدن خط فقر نمی‌تواند قانونمندی مشخصی را به دست بدهد و تنها تحت تأثیر سیاست‌های گذار و عوامل تصادفی قرار می‌گیرند (رئیس‌دانان، ۱۳۸۴: ۵۴).

فقر و محرومیت در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، رفاهی و ... می‌تواند به وجود آید. از جمله ویژگی‌های شایع در مناطق محروم می‌توان به سطح مهارت بسیار پایین، درآمد کم، آمار بالای جرم و جناحت، سطح سواد پایین، نرخ بالای بیکاری و ... اشاره کرد (McGuinness, 2018: 4).

ارتباط فقر و عدالت فضایی

در مناطقی که فقر و نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... و به عبارتی بی‌عدالتی فضایی وجود دارد، رضایت خاطر شهروندان کاهش می‌یابد (ابراهیم‌پور و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۲۰). شهروندانی که در محرومیت و فقر به سر برده و احساس بی‌عدالتی فضایی دارند، انگیزه و رغبت خود برای مشارکت سیاسی را ازدست می‌دهند (بیگدلو و مرادیان، ۱۳۹۱: ۵). این پدیده در سراسر جهان با شدت و ضعف مختلف وجود دارد. فقر در نقطه مقابل عدالت اجتماعی قرار دارد. سرآغاز عدالت اجتماعی ریشه در عدالت فضایی و محیطی دارد. تحقق عدالت اجتماعی درنهایت به رضایت شهروندان از شیوه زندگی خود منجر شده و به ثبات سیاسی و اقتدار ملی کمک شایانی می‌کند (یغفوری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۱۴).

از نقطه‌نظر جغرافیایی، عدالت اجتماعی مترادف با توزیع عادلانه امکانات و خدمات بین مناطق مختلف و دستیابی برابر شهروندان به آن‌ها است؛ زیرا عدم توزیع عادلانه آن‌ها به بحران‌های اجتماعی نظیر

نظريه‌پردازانی هستند که عدالت فضایی در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی نظیر اشتغال و بیکاری، فقر و رفاه، توسعه اقتصادی، میزان شهری‌شدن، نابرابری اجتماعی، تجانس اجتماعی، تحرک جمعیتی، نوع مذهب، رقابت سیاسی، ارتباطات و... را بر مشارکت سیاسی فضاهای جغرافیایی مختلف مؤثر می‌دانند (معمار، ۱۳۹۱: ۵).

فقر و محرومیت

فقر عبارت از ناتوانی انسان در فراهم‌آوردن نیازهای بنیادی خود درجهت رسیدن به یک زندگی آبرومدانه و شایسته است. این تعریف به مفهوم عبارت (آبرومدانه و شایسته) بستگی دارد، زیرا این مفهوم را فقط می‌توان در قالب قضاوتهای فردی و محیطی شناسایی کرد و تردیدی نیست که در هر اجتماع و از هر دیدگاه تعریف متفاوتی از آن را می‌توان ارائه داد (World Bank, 2018: 19). این تعریف برداشتی کلی از مفهوم فقر را به دست می‌دهد. لیکن فقر را می‌توان از دو دیدگاه مطلق و نسبی مورد ارزیابی قرار داد. تحقیقات رونتری^۱، پایه اصلی بررسی‌های فقر مطلق را نشان می‌دهد. تعریف او از فقر مطلق عبارت است از: «خانوارهای مبتلا به فقر اولیه آن قدر درآمد ندارند که بتوانند حداقل نیازهای تغذیه را برحسب ارزان‌ترین انواع مواد انرژی‌زا تأمین نمایند.» یکی از معروف‌ترین محققان فقر نسبی، تاون سند^۲ است. او به نقش افراد در درون اجتماع و به ارتباط بین آن‌ها و سایرین اهمیت می‌داد. به گفته او، افراد در صورتی فقیر شمرده می‌شوند که نتوانند در زندگی مشترک جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند مشارکت داشته باشند (Tweedie & Hagan, 2018: 1). با این تعریف در هر جامعه با در نظر گرفتن معیارهای متفاوت می‌توان فقر را تعریف کرد و پایین‌بودن نسبی سطح زندگی مردم

1-Manal

2-Lily

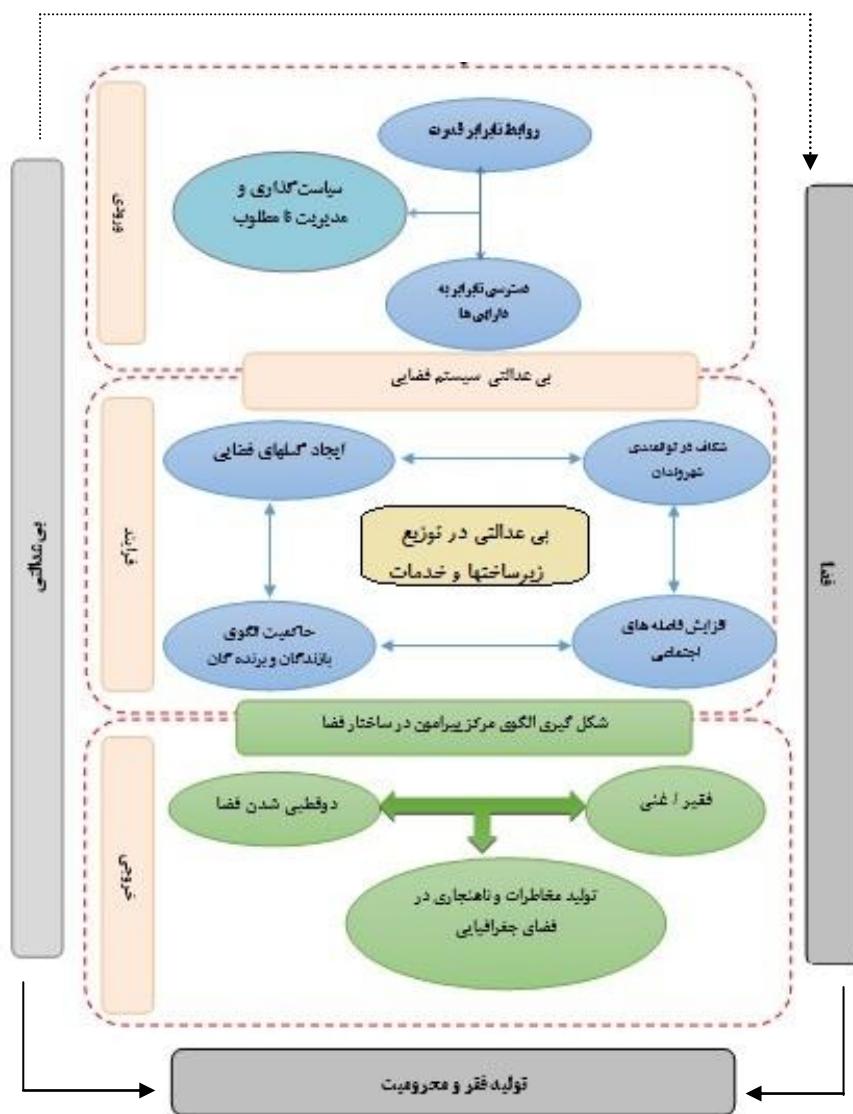
3-Naugler

4-Rowntree

5-Townsend

بی‌عدالتی فضایی و بازتولید فقر را می‌توان در قالب مدل شماره (۱) به نمایش گذاشت:

شکاف طبقاتی، فقر و نابودی سرمایه اجتماعی (که پشتونهای برای اقتدار حکومت است) و مشکلات پیچیده فضایی می‌انجامد (شریفی، ۱۳۸۵: ۶). ارتباط



مدل ۱: بی‌عدالتی فضایی و تولید فقر در فضا

تهریه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۷

گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی که از شمال شرقی تا شمال غربی کشور را در بر گرفته‌اند.

مطالعه مورد محدوده محدودیتی معرفی

۱- محیط‌شناسی

محدوده مورد مطالعه این تحقیق، عبارت است از استان‌های شمالی کشور که شامل: خراسان شمالی،



نقشه ۱: محدوده مورد مطالعه

۱۳۹۷ نگارنده: ترسیم و تهیه

زندگی می‌کنند. اکثریت جمیعت استان اهل تشیع و اقلیت را اهل تسنن تشکیل می‌دهند. همچنین گروه‌اندکی پیرو سایر ادیان و فرق هستند. اهل تشیع را گروه‌های فارس، سیستانی، ترک، کرد و... و اهل تسنن را نیز گروه‌های ترکمن، بلوج و قراق تشکیل می‌دهند (مدیری و عباسی‌سمانی، ۱۳۹۳: ۴). در استان مازندران تنوع قومی و مذهبی چندانی وجود ندارد. مردم این استان به زبان مازنی، تبری و فارسی سخن می‌گویند و مذهب شیعه دارند (بوسفی، ۱۳۸۷: ۱۷۱).

در استان گیلان اقوام مختلفی از جمله گیلک در جنوب استان و تالش در غرب استان زندگی می‌کنند. همچنین مردم گالش و کرد کرمانج در روبار زندگی می‌کنند (مرکز مطالعاتی تبریز، ۱۳۹۵: ۶). هرچند مذهب

۲- بافت قومی - مذهبی

استان‌های شمالی کشور به لحاظ بافت قومی و مذهبی، از تنوع گستردگی برخوردارند که در ادامه به معرفی مجزای هر یکی می‌پردازیم.

در استان خراسان شمالی، علاوه بر فارس‌های شیعه، به طور مشخص پنج قوم کرد (کرمانچ)، ترک، ترکمن، تات و بلوج با دو مذهب شیعه اثنی عشری و اهل سنت حنفی زندگی می‌کنند که کرمانچ‌ها با ۵۵,۶۲ درصد از جمعیت کل آبادی‌ها، بیشترین نسبت را به خود اختصاص داده‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰؛ به نقل از جعفری، ۱۳۹۴: ۷).

در استان گلستان اقوام مختلفی شامل فارس‌ها (استرآبادی‌ها، مازندرانی‌ها، کتولی‌ها، سیستانی‌ها و...)، ترکمن‌ها و سایر قومیت‌ها (ترک، گرد، بلوج، فرنق و...)

آذری‌ها در ایران بزرگ‌ترین گروه اقلیت بوده و بیشترین التقاط و پراکندگی در میان سایر اقوام و استان‌های کشور به‌ویژه استان‌های تهران و قم را دارند (حافظنیا، ۱۳۹۵: ۱۶۳).

۳- جمعیت‌شناسی

طبق نتایج به‌دست آمده از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، جمعیت استان‌های مورد مطالعه به قرار جدول زیر است:

در گیلان به تبعه کل کشور شیعه اثی‌عشری است، اما سه شهرستان رضوان‌شهر، تالش و آستارا به‌ترتیب حائز بیشترین جمعیت اهل سنت هستند و تعداد معنوی از ساکنین استان گیلان مستقر در رشت و بندر انزلی دارای ادیان مسیحی، یهودی و زرتشتی‌اند (www.gilan.ir). بافت قومی در سه استان اردبیل، آذربایجان شرقی و غربی تقریباً یکسان است. در این استان‌ها اکثریت جمعیت با قوم آذری و مذهب شیعه است. در بخش‌هایی از جنوب استان آذربایجان غربی قوم کُرد با مذهب سنی ساکن هستند (احمدی‌پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۰).

جدول ۲: جمعیت‌شناسی محدوده مورد مطالعه

نام استان	جمعیت ۱۳۹۵	سهم استان از جمعیت کشور-۱۳۹۵	سهم استان از مساحت کشور(درصد)	سالیانه (درصد)	نرخ رشد (درصد)	جمعیت نسبی ۱۳۹۵ (درصد)	تراکم نسبی ۱۳۹۵	جمعیت ۱۳۹۵	درصد شهرنشینی	درصد روستائشینی
خراسان شمالی	۸۶۳۰۹۲	۱۰۰	۲	-۰,۱۱	۱,۰۸	۳۰,۴	۵۶,۲۰	۴۳,۸۰	۵۶,۲۰	۴۳,۸۰
گلستان	۱۸۶۸۸۱۹	۲,۳۳۴	۱	۱,۰۱	۲,۳۴	۹۱,۸	۵۳,۳۲	۴۶,۶۸	۵۳,۳۲	۴۶,۶۸
مازندران	۳۲۸۳۵۸۲	۴,۱۱	۲	۱,۳۳	۴,۱۱	۱۳۷,۷	۵۷,۷۸	۴۲,۲۲	۵۷,۷۸	۴۲,۲۲
گیلان	۲۵۳۰۶۹۶	۳,۱۷	۱	۰,۴۰	۳,۱۷	۱۸۰,۲	۶۳,۳۴	۳۶,۶۶	۶۳,۳۴	۳۶,۶۶
اردبیل	۱۲۷۰۴۲۰	۱,۰۹	۱	۰,۳۵	۱,۰۹	۷۱,۴	۶۸,۱۸	۳۱,۸۲	۶۸,۱۸	۳۱,۸۲
آذربایجان شرقی	۳۹۰۹۶۵۲	۴,۸۹	۳	۰,۹۷	۴,۸۹	۸۵,۶	۷۱,۸۶	۲۸,۱۴	۷۱,۸۶	۲۸,۱۴
آذربایجان غربی	۳۲۶۵۲۱۹	۴,۰۹	۲	۱,۱۷	۴,۰۹	۸۷,۳	۶۵,۴۲	۳۴,۵۸	۶۵,۴۲	۳۴,۵۸

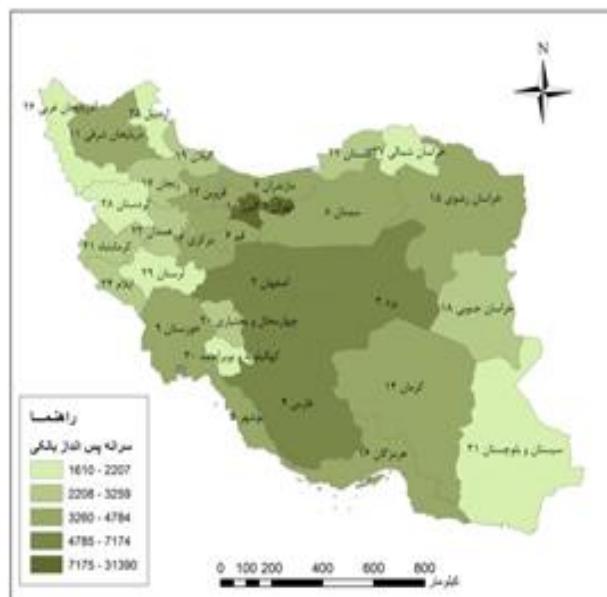
مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶ و ۲۱ و ۲۲. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵

۴- شاخص‌های اقتصادی

جدول ۳: شاخص‌های اقتصادی محدوده مورد مطالعه

نام استان	نرخ اقتصادی	نرخ کارکشی	نرخ تغییر							
کل کشور	۳۷,۵	۱۲,۳	۴۲,۷	۴۹۴۰۷۶	۱۰,۵۹۵	۱۰۰	۱۰۰	۰,۳۴۰۱	۰,۳۶۰۹	۰,۳۶۰۹
خراسان شمالی	۴۱,۵	۱۳,۸	۴۸,۲	۴۱۵۸۳۹	۱۳,۶۹۷	۰,۵	۰,۶۹۲	۰,۳۲۸۹	۰,۳۴۱۰	۰,۳۴۱۰
گلستان	۳۶,۶	۱۲,۲	۴۱,۶	۴۱۶۳۵۱	۱۸,۴۰۴	۱,۳۵۷	۱,۲۸	۰,۳۲۸۵	۰,۳۷۱۴	۰,۳۷۱۴
مازندران	۳۷,۴	۱۳,۲	۴۳,۱	۶۶۱۱۶۲	۲۲,۱۵۲	۳,۷۲۴	۱,۰۲	۰,۲۹۹۴	۰,۲۸۳۷	۰,۲۸۳۷
گیلان	۳۸,۴	۱۲,۴	۴۳,۹	۵۲۲۹۴۰	۲۱,۶۹۹	۲,۴۲۱	۲,۳	۰,۳۲۳۲	۰,۳۲۱۵	۰,۳۲۱۵
اردبیل	۳۹,۸	۱۵,۶	۴۷,۲	۴۰۳۴۰۴	۱۱,۰۹۲	۱,۰۶۴	۱,۱۳	۰,۲۸۷۲	۰,۲۵۸۹	۰,۲۵۸۹
آذربایجان. ش	۳۸,۷	۱۳,۲	۴۳,۸	۵۴۰۴۱۸	۱۸,۱۶۸	۳,۷۲۴	۱,۰۲	۰,۲۹۸۴	۰,۳۵۴۸	۰,۲۹۸۴
آذربایجان. غ	۳۸,۷	۱۱,۳	۴۳,۷	۳۶۸۹۰۲	۱۱,۲۳۷	۲,۲۶۱	۲,۱	۰,۲۶۷۱	۰,۳۱۳۴	۰,۳۱۳۴

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵ و ۲۶. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶ و ۱۳. مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴ و ۹.



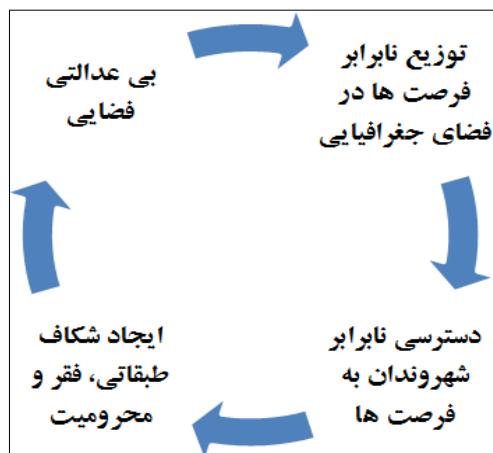
نقشه ۲: توزیع فضایی اعتبارات بانکی در کشور

۱۳۹۷ نگارنده: ترسیم و تهیه

افزایش نابرابری و ایجاد فرصت‌های اقتصادی بیشتر در مناطق مرکزی، انگیزه اقتصادی برای کوچ عظیم نیروی کار از مناطق پیرامونی را فراهم آورده است. ناهمگونی درآمد از یکسو و مهاجرت از سوی دیگر، زمینه افزایش اختلاف انداره بازار در مناطق مرکزی ایران و مناطق پیرامونی شده است. کاستی یا نبود زیرساخت‌ها در مقایسه با مناطق مرکزی، زمینه افزایش هزینه‌های تولید در مناطق پیرامون می‌شود. متأثر از رویکرد سودمحوری حاکم بر نظام برنامه‌ریزی ایران که اصالت را نه به انسان، بلکه به بهره‌وری اقتصادی داده است، درنتیجه حرکت سرمایه به سمتی که نرخ سود و سرمایه در آن بیشتر باشد، عقلانی و مفید تشخیص داده می‌شود.

پیامد این رویکرد سرمایه‌دارانه به فضا در طولانی‌مدت، انباشت منابع مالی در نقاط محدود و تخلیه سرمایه مناطق پیرامونی است. در چنین ساختاری مناطق جذاب سرمایه‌منراکم‌تر و مناطق حاشیه‌ای نحیف‌تر از قبل می‌شوند.

اگرچه پس انداز بانکی به خودی خود گویای وضعیت خاص اقتصادی مناطق است و استفاده از آن برای تحلیل رابطه عدالت و بی عدالتی فضایی و تولید فقر می تواند در این چارچوب مدنظر قرار گیرد که به واسطه تراکم منابع مالی بیشتر در استان های مرکزی به ویژه در تهران در قیاس با سایر استان های کشور زمینه های جذب جمعیت و فعالیت در استان یاد شده بیش از سایر نقاط کشور در دوره تاریخ مدرن ایران فراهم بوده است. استان تهران براساس آخرین تقسیمات کشوری، ۱۵۱ درصد مساحت کشور و بیش از ۱۶ درصد جمعیت کشور را به خود اختصاص داده است، در حالی که استان های پهناوری همچون کرمان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی که ۲۸ درصد از کل مساحت کشور را به خود اختصاص داده اند، تنها ۸ درصد از جمعیت کل کشور را در خود جای داده اند. بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی ایران در سال ۹۴، در ۶ استان مرکز بوده است و ۵۰ درصد باقی مانده بین ۲۵ استان تقسیم شده است.



مدل ۲: بی عدالتی فضایی و چرخه باز تولید فقر در فضا

تئیه و ترسیم: نگارندگان، ۱۳۹۷

مواد و روش انجام تحقیق

این مقاله با روش توصیفی- تحلیلی و تکیه بر اطلاعات کتابخانه‌ای سعی در تحلیل فقر از منظر عدالت فضایی در مرز شمالی کشور را دارد. هفت استان خراسان شمالی، گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی به عنوان استان‌های شمالی کشور مورد توجه واقع شده‌اند.

در حال حاضر الگوی توزیع منابع و قطب‌های صنعتی کشور با محوریت تهران و مشارکت مؤثر (اصفهان، یزد، کرمان، سمنان و مرکزی) از یک نوع عدم تعادل بیمارگونه رنج می‌برد و با توجه به همپوشانی شرایط مزبور بر الگوی فضایی ملت در کشور (هسته مرکزی در برگیرنده مؤلفه‌هایی چون ایرانی‌بودن، شیعه‌بودن و فارس‌بودن) و پیرامون متفاوت، مولد گسل‌های فضایی توسعه و تشید آن‌ها خواهد شد. براساس گزارش‌های بانک مرکزی در اردیبهشت ۱۳۹۷ کل مانده سپرده‌های ریالی و ارزی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری تا پایان اردیبهشت ۱۳۹۷ بالغ بر ۱۶۸۳ هزار میلیارد تومان بوده که استان تهران با ۹۴۶ هزار میلیارد تومان ۵۶,۱ درصد از سپرده‌های بانکی کل کشور را به خود اختصاص داده است؛ استان‌های اصفهان با ۹۰ هزار میلیارد و خراسان رضوی با ۷۷ هزار میلیارد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در سوی دیگر این دسته‌بندی، استان‌های کهگیلویه و بویراحمد با ۴,۵ هزار میلیارد تومان، ایلام با ۵,۵ هزار میلیارد تومان و خراسان شمالی با ۶ هزار میلیارد تومان در رتبه‌های بعدی قرار دارند. حاکمیت چنین شرایطی از یک سو تولیدکننده مخاطرات در زمینه همگرایی ملی و از سویی دیگر تضعیف‌کننده استعدادهای منطقه‌ای است که ارتباط مؤثر نواحی و چرخه هم تکمیلی مناطق را مختل و دور باطل تولید فقر و محرومیت را تقویت می‌کند که این در قالب مدل زیر به نمایش درآمده است:

یافته‌های تحقیق

جدول ۴: فقر و محرومیت در استان‌های مورد مطالعه

استان	درآمد خانوار	هزینه خانوار	زیربنایی و اجتماعی ^۱	رتبه استان در میانگین شاخص توسعه ^۲	رتبه استان در شاخص محرومیت ^۲
خراسان شمالی	۲۲	۲۴	۱۵	۴	۴
گلستان	۱۵	۲۳	۷	۳	۳
مازندران	۳	۱۲	۸	۲	۲
گیلان	۱۴	۱۰	۵	۳	۳
اردبیل	۱۲	۶	۲۳	۳	۳
آذربایجان شرقی	۱۹	۱۱	۶	۲	۲
آذربایجان غربی	۲۵	۱۶	۲۲	۲	۲

مأخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶؛ مرکز آمار ایران، ۱۳۶۱

نتایج سیاست‌های رشد قطبی به شمار می‌آید. درنتیجه این سیاست، تعداد محدودی از مناطق نقش کلیدی داشته و سایر مناطق به صورت حاشیه‌ای عمل می‌کنند (حافظنیا و قادری حاجت، ۱۳۹۴: ۵۲-۳۳). در ادامه و در قالب جداول زیر وضعیت عدالت فضایی در ایران و استان‌های منتخب به منظور درک روش‌تر موضوع ارائه می‌شود.

وضعیت عدالت فضایی در ایران و جایگاه استان‌های منتخب^۳

خاستگاه بسیاری از بحران‌ها در سطوح ملی و محلی، بی‌توجهی به مقوله عدالت فضایی / جغرافیایی در کشورهای مختلف به‌ویژه جهان سوم است. تمرکز شدید و عدم تعادل فضایی از جمله ویژگی‌های کشورهای جهان سوم است که این ویژگی معلوم

جدول ۶: وضعیت استان‌های منتخب در عامل‌های هشتگانه عدالت فضایی

استان‌ها/عامل‌ها	عامل آموزشی	عامل اجتماعی	عامل اقتصادی	عامل امنیتی	عامل پهادشتی	عامل سیاسی	عامل کالبدی	عامل فرهنگی	عدالت فضایی
خراسان شمالی	۰..۰۲۰۳۶۸۴۹	۰..۰۲۰۵۲۱۹۹۴	۰..۰۵۹۳۸۷۰۰۳۵	۰..۰۹۰۸۸۰۰۲۶۴	۰..۰۶۴۱۱۵۱۶۶	۰..۰۷۷۲۴۰۷۹۱	۰..۰۱۷۴۱۱۵۱۶۶	۰..۰۳۱۳۰۲۷۳۶	۰..۰۳۱۳۰۲۷۳۶
گلستان	۰..۰۲۱۵۹۴۸۱۹	۰..۰۳۴۷۶۶۳۰۳۸	۰..۰۴۹۷۵۰۹۵۳۳	۰..۰۸۷۹۰۰۳۴	۰..۰۷۱۵۱۸۶۶۱	۰..۰۷۱۵۱۸۶۷۱۴	۰..۰۱۷۶۹۸۶۷۱۴	۰..۰۳۲۵۵۰۶۶۵	۰..۰۳۲۵۵۰۶۶۵
مازندران	۰..۰۲۴۸۵۰۴۴۳	۰..۰۳۹۹۹۹۱۷۹۴	۰..۰۴۸۳۳۷۷۹۵	۰..۰۸۱۱۳۴۵۲۶۳	۰..۰۱۰۳۲۷۴۵۰۲	۰..۰۱۷۸۲۶۴۳۳۲	۰..۰۱۹۰۲۳۵۴۹۲	۰..۰۳۳۹۶۷۹۸۲	۰..۰۳۳۹۶۷۹۸۲
گیلان	۰..۰۱۸۱۶۳۸۳۷	۰..۰۴۰۰۳۱۴۳۸۶	۰..۰۴۸۲۶۹۵۸۶۳	۰..۰۸۰۷۷۳۹۶۷۱	۰..۰۱۰۴۷۰۰۷۵۵	۰..۰۹۹۷۸۸	۰..۰۰۷۸۷۷۸۱۸۳	۰..۰۱۸۶۷۷۴۹۸۷	۰..۰۳۰۰۶۳۱۶۹
اردبیل	۰..۰۲۳۱۴۰۷۴۳	۰..۰۳۹۱۵۵۶۰۹	۰..۰۵۴۶۰۷۸۹۹۱	۰..۰۸۹۵۰۳۷۴۸	۰..۰۰۸۲۵۴۲۷۷۶	۰..۰۲۰۱۶۹	۰..۰۱۷۶۸۷۴۴۱۱	۰..۰۳۱۳۰۰۹۷۲۷	۰..۰۳۱۳۰۰۹۷۲۷
آذ. شرقی	۰..۰۳۹۷۸۶۶۶۴	۰..۰۳۵۲۴۳۹۵۰۷	۰..۰۴۶۳۸۰۰۳۶۷	۰..۰۸۶۳۶۶۵۲۴۲	۰..۰۱۰۵۶۹۱۵۸۱	۰..۰۰۷۰۱۳۵۸۷	۰..۰۱۸۲۴۴۴۴۷۹	۰..۰۳۵۰۲۹۳۶۸	۰..۰۳۵۰۲۹۳۶۸
آذ. غربی	۰..۰۲۸۹۲۲۲۳۷	۰..۰۳۴۳۵۱۸۵۹۹	۰..۰۴۵۰۰۹۱۷۷۱	۰..۰۸۸۵۶۷۴۴۵۷	۰..۰۰۹۵۲۹۱۴۵۳	۰..۰۱۲۱۸۹۹	۰..۰۰۵۸۸۳۰۰۸۶	۰..۰۳۲۸۷۲۴۴۳۶	۰..۰۳۲۸۷۲۴۴۳۶
میانگین استانی	۰..۰۰۲۵۲۶۱	۰..۰۳۶۵۱۴۳۵۶۱	۰..۰۵۰۲۴۸۳۴۷۹	۰..۰۸۵۴۰۹	۰..۰۰۹۷۰۳۱۸۲۳	۰..۰۱۳۷۹۰۴	۰..۰۰۹۰۰۲۳۱۶۷	۰..۰۳۴۰۳۸۹۶۷	۰..۰۳۴۰۳۸۹۶۷
میانگین ملی	۰..۰۰۲۷۹۵۸	۰..۰۳۵۳۲۰۱	۰..۰۵۳۱۳۷۵	۰..۰۸۶۰۸۲۹	۰..۰۱۴۳۶۹۱	۰..۰۰۸۵۰۴۴	۰..۰۰۸۰۰۴۹۷۹	۰..۰۳۴۶۸۴۷۳۲۶	۰..۰۳۴۶۸۴۷۳۲۶
تفاوت با میانگین ملی	۰..۰۰۰۲۷	۰..۰۱۱۹۴۳	۰..۰۰۰۲۸۸۹	۰..۰۰۰۶۵۲	-۰..۰۰۰۱۶۱	-۰..۰۰۰۵۷۹	-۰..۰۰۰۴۹۷۹	-۰..۰۰۰۱۵۹	-۰..۰۰۰۶۰۰۰۸۳۵

مأخذ: نگارندهان، ۱۳۹۷

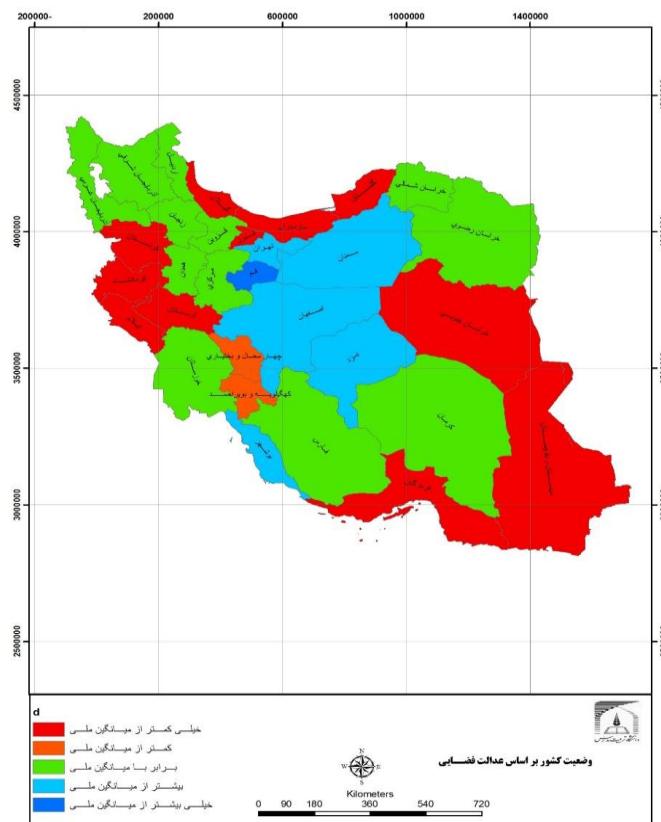
۱- رتبه ۱ نشان‌دهنده توسعه یافته‌ترین استان در شاخص توسعه زیربنایی و اجتماعی است.

۲- رتبه ۱ نشان‌دهنده توسعه یافته‌ترین و رتبه ۴ نشان‌دهنده محروم‌ترین استان‌های است.

۳- برای درک روش‌تر وضعیت عدالت فضایی در ایران مراجعه شود به: رساله دکتری قادری حاجت، دفاع شده در سال ۱۳۹۳ به راهنمایی دکتر محمدرضا حافظنیا در دانشگاه تربیت‌مدرس، با عنوان «طرایحی الگوی سنجش عدالت فضایی در کشورها، مطالعه موردی: ایران».

شاخص عدالت فضایی برابر با میانگین ملی قرار دارد و استان‌های گلستان، مازندران و گیلان در شاخص عدالت فضایی از میانگین ملی خیلی کمتر هستند.

آنچه از جدول و نمودار فوق بر می‌آید حاکی از این امر است که در بین استان‌های منتخب، استان‌های خراسان شمالی، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی در



نقشه ۳: وضعیت ایران براساس شاخص عدالت فضایی

تنهیه و ترسیم: قادری حاجت و حافظنی، ۱۳۹۷

عرصه‌های مختلف دید که به شکل‌گیری الگوی نامتوازن قدرت و نابرابری منجر می‌شود. با شکل‌گیری الگوی نامتوازن قدرت، پیشرفت و توسعه نیز قطبی شده و دوگانگی‌های جوامع افزایش پیدا می‌کند و بی‌عدالتی فضایی به عنوان نتیجه قطعی فرایند فوق شکل می‌گیرد. با نهادینه شدن بی‌عدالتی فضایی شکاف‌های جوامع پرنگ‌تر شده و فاصله‌های عینی و ذهنی ساکنان فضای جغرافیایی از هم بیشتر می‌شود. این امر منجر به افزایش نارضایتی‌ها و بالارفتن پتانسیل اعتراض به وضعیت موجود شده و کشورها را با آثاری فضایی روبرو می‌سازد. وجود شکاف و نابرابری در

از آنجایی که بی‌عدالتی فضایی را می‌توان اباشت نابرابری‌ها در مؤلفه‌های ارزشمند قدرت، ثروت و فرصت در فضاهای مختلف دانست، می‌توان این ادعا را مطرح کرد که یکی از دلایل بی‌عدالتی فضایی حاکم بر نواحی ساحلی شمال کشور، نابرابری در دستیابی به مؤلفه‌های قدرت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی، آموزشی، بهداشتی، سیاسی و امنیتی در فضاست. بی‌عدالتی فضایی موجب تقسیم نابرابر منابع در سطح مختلف فضاهای جغرافیایی می‌شود که وجه عمده آن را می‌توان در عدم دسترسی بهینه و برابر تمام سکنه و شهروندان به فرصت‌های برابر در

سهم استان از تولید ناخالص داخلی، ضریب جینی، رتبه استان در شاخص توسعه زیربنایی و اجتماعی و رتبه استان در شاخص محرومیت) و همچنین نقشه شماره ۲، استان خراسان شمالی جزو فقیرترین استان‌های کشور است. پس از آن استان‌های گلستان، گیلان و اردبیل به لحاظ شاخص فقر و محرومیت در رتبه بعدی قرار دارند. استان‌های مازندران، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی در مقایسه با استان‌های پیش‌گفته وضعیت مطلوب‌تری داشته و در رتبه دوم فقر و محرومیت قرار دارند. همچنین، میانگین شاخص عدالت فضایی در بین این استان‌ها برابر با ۰,۳۴۰ بوده که از میانگین ملی (۰,۳۴۷) پایین‌تر است و براساس این شاخص استان‌های خراسان شمالی (۰,۳۱۳)، اردبیل (۰,۳۱۳)، گلستان (۰,۳۲۵)، آذربایجان غربی (۰,۳۲۹)، گیلان (۰,۳۳۱)، آذربایجان شرقی (۰,۳۳۵)، مازندران (۰,۳۴۰)، به ترتیب کمترین تا بیشترین عدالت فضایی را دارند. مقایسه وضعیت استان‌های مورد مطالعه در شاخص فقر و محرومیت با وضعیت آن‌ها به لحاظ شاخص عدالت فضایی نشان داد که هرقدر استان عدالت فضایی کمتری داشته باشد، فقر و محرومیت بیشتری دارد.

پیشنهادها

- ۱- تکیه بر بنیان‌های محلی تولید: گردشگری سودآور، توریسم، صنایع دستی، توسعه پتانسیل کشاورزی منطقه ...
- ۲- هزینه کرد درآمدهای نواحی مرز شمالی کشور در منطقه محلی.
- ۳- تقویت بنیان‌های تابآوری نواحی در جوامع روستایی با توجه به بنیان‌های موجود.
- ۴- تغییر سیاست‌های دولت در تخصیص بودجه به نواحی مختلف و جلوگیری از پیشرفت تمرکز شدید در برنامه‌های دولت.

توسعه همواره سبب ناخرسندی و ناآرامی و نامنی است و چنین شرایطی نمی‌تواند موجب همبستگی ملی باشد، زیرا ساکنان نواحی جغرافیایی ناهمگن از تغییر وفاداری محلی و ناحیه‌ای به وفاداری ملی سودی نمی‌برند؛ بنابراین به دشواری حاضرند به این همبستگی ملی تن در دهند. پس می‌توان ادعا کرد که رفتار فضایی مناطق و فضاهای عکس‌العمل طبیعی نواحی یادشده به سیاست‌های اعمال شده از جانب سیستم برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری است.

نتیجه

بی‌عدالتی فضایی با تقسیم ناعادلانه فرصت‌ها و امکانات در فضاهای جغرافیایی مختلف موجب دسترسی نابرابر شهروندان به فرصت‌ها و شکل‌گیری شکاف طبقاتی، فقر و محرومیت در فضاهای جغرافیایی مختلف می‌شود. مطالعه استان‌های منتخب این پژوهش در نوار شمالی کشور نشان می‌دهد که استان‌های خراسان شمالی، گلستان، مازندران، گیلان، اردبیل، آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی در زمینه شاخص‌های هشت‌گانه عدالت فضایی (آموزشی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی، سیاسی، امنیتی و بهداشتی) وضعیت نامطلوبی داشته و حتی از میانگین ملی نیز ضعیفتر هستند. دسترسی ضعیف شهروندان به امکانات و فرصت‌های مختلف در این استان‌ها موجب شکل‌گیری فقر و گسترش محرومیت در این استان‌ها شده‌است. در این رابطه، طبق نقشه شماره ۴، به غیر از استان مازندران و آذربایجان شرقی که از لحاظ سرانه سپرده‌های بانکی بهتری دارند، سایر استان‌های نوار مرز شمالی کشور از میانگین سپرده‌های بانکی کشور ضعیفتر بوده و از بین ۳۱ استان رتبه‌های بین ۱۹ تا ۲۷ را به خود اختصاص داده‌اند. بررسی وضعیت استان‌های مورد نظر در شاخص‌های فقر (نسبت اشتغال، نرخ بیکاری، درآمد خانوار، قدرت پس انداز خانوار، سرانه پس انداز بانکی در هر استان،

- یاسوج، پایان نامه کارشناسی ارشد. رشته جغرافیا. گرایش برنامه ریزی شهری. تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- رئیس دانا، فریبزر (۱۳۸۴). اندازه گیری شاخص و پویش فقر در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی. دوره چهارم، شماره ۱۷. صفحات ۵۷-۹۲
- شریفی، عبدالنبوی (۱۳۸۵). عدالت اجتماعی و شهر، تحلیلی بر نابرابری های منطقه ای در شهر اهواز. رساله دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری. تهران، دانشگاه تهران.
- قادری حاجت، مصطفی؛ محمد رضا حافظنیا (۱۳۹۷). تدوین راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی، پژوهه پسادکتری. معاونت علمی ریاست جمهوری. صندوق حمایت از پژوهشگران و فناوران کشور.
- مدیری، مهدی؛ علیرضا عباسی سمنانی (۱۳۹۳). روند شکل گیری گسل های مذهبی در مرزهای شمال شرق (مطالعه موردی استان گلستان)، همايش ملی مرزنشینی توسعه پایدار و فرستاده سرمایه گذاری.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۱). رتبه بندی مقدماتی استان های کشور. هسته پژوهش مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۱). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰. چاپ اول. تهران: دفتر ریاست روابط عمومی و همکاری های بین الملل مرکز آمار ایران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان اردبیل.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان آذربایجان شرقی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان خراسان شمالی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان گلستان.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان گیلان.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان مازندران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج آمارگیری نیروی کار پاییز ۱۳۹۵. چاپ اول. تهران: دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران.

متابع

- ابراهیم پور، داوود؛ عزیز جوانپور؛ وحید حسینی اصل (۱۳۹۴). رابطه عدالت فضایی ادراک شده با میزان مشارکت شهروندان در توسعه یافتنگی شهر تبریز، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری. سال پنجم، شماره ۱۶. صفحات ۱۱۹-۱۴۲
- احمدی پور، زهرا؛ طهمورث حیدری موصلو؛ طبیه حیدری موصلو (۱۳۸۹). تحلیل قومیت و هویت قومی در ایران، جهت امنیت پایدار، فصلنامه انتظام اجتماعی. دوره ۲. شماره ۱. بهار و تابستان. صفحات ۳۵-۶۲
- بانک مرکزی ایران (۱۳۹۲). به نقل از: www.cbi.ir
- بیگدلو، مهدی؛ محسن مرادیان (۱۳۹۱). ارتباط مشارکت سیاسی مردم و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: مشارکت در انتخابات)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی دانشگاه همدان. سال اول. شماره ۳. صفحات ۸۷-۱۱۵
- جعفری، تیمور (۱۳۹۴). بررسی آماری و تحلیل جغرافیایی اقوام ساکن در آبادی های خراسان شمالی. فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، سال دوم. شماره ۷. پاییز. صفحات ۷-۳۴
- حافظنیا، محمد رضا؛ مصطفی قادری حاجت و دیگران (۱۳۹۴). طراحی الگوی سنجش عدالت فضایی، مطالعه موردی: ایران، فصلنامه برنامه ریزی و آمایش فضا. دوره ۱۹. شماره ۱. تابستان ۱۳۹۴. صفحات ۳۳-۵۲
- حافظنیا، محمد رضا (۱۳۹۵). جغرافیای سیاسی ایران، چاپ هشتم. تهران. انتشارات سمت.
- داداش پور، هاشم؛ بهرام علیزاده؛ فرامرز رستمی (۱۳۹۴). تبیین چارچوب مفهومی عدالت فضایی در برنامه ریزی شهری با محوریت مفهوم عدالت در مکتب اسلام، فصلنامه نقش جهان. دوره پنجم. شماره ۱. صفحات ۷۵-۸۴
- ترکمه، آیدین (۱۳۹۷). بازندهی غیررسمی و فقر/نابرابری شهری: دیدگاهی روشن شناختی، فضای دیالکتیک، شماره ۹. پائیز ۹۷. قابل دسترس در: <http://dialecticalspace.com/rethinking-informality>
- رستمی، فرامرز (۱۳۹۰). مطالعه و تحلیل راهکارهای افزایش عدالت فضایی در شهرها با تأکید بر دسترسی عادلانه به امکانات و خدمات شهری، مطالعه موردی: شهر

- یوسفی، صفر (۱۳۸۷). سیر تحول دین و مذهب در مازندران، فصلنامه فقه و تاریخ تمدن. دوره ۴. شماره ۱۶. ۱۶۷-۱۹۲. تابستان. صفحات ۱۶۷-۱۹۲.
- Brad, Jackob (2017). Poverty and Deprivation. Intelligence Bulletin Journal. No, 3
 - Mazur, E & Urbanek, J (2014). Space in Geography. Geo-Journal. Volume 7. Issue 2. PP.139-143.
 - McGuinness, Feargal (2018). Poverty in the UK. House of Commons Library. No, 7096.
 - Prange, J (2009). Spatial Justice: A New Frontier in Planning for Just Sustainable Communities. New Jersey University.
 - Tweedia, Andrew & Hagan, Sean (2018). Poverty Reduction and Growth Trust- 2018 Borrowing Agreement with the Banque De France. International Monetary Fund. Washington, D. C. 20431.
 - World Bank (2018). Land Governance in an Interconnected World. Land and Poverty Conference 2018. www.gilan.ir.
 - Young, Irish Marion (2000). Justice and the Politics of Difference, Princeton University Press. Princeton.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). بندقی از:

<http://www.amar.org.ir>.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). چکیده نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای روستایی و شهری سال ۱۳۹۵. چاپ اول. تهران: دفتر جمعیت نیروی کار و سرشماری مرکز آمار ایران.

- مرکز آمار ایران (۱۳۹۶). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵. چاپ اول. تهران: دفتر ریاست روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل مرکز آمار ایران.

- مرکز آمار ایران. (۱۳۹۴). ضریب جینی سال ۱۳۹۳. دفتر جمعیت، نیروی کار و سرشماری. مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵). آمار و اطلاعات عمومی استان آذربایجان غربی.

- مرکز مطالعاتی تبریز (۱۳۹۵). اقلیت‌های دینی و مذهبی در ایران.

- معمار، رحمت‌الله (۱۳۹۱). طبقه‌بندی نظریات مشارکت سیاسی. چاپ اول. تهران: انتشارات امیرکبیر.

- یغفوری، حسین؛ سجاد قاسمی؛ نرگس قاسمی (۱۳۹۶). بررسی عدالت فضایی در توزیع خدمات، با تأکید بر مدیریت شهری؛ مطالعه موردی: محلات منطقه ۱۹ تهران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. سال سی و دوم. شماره ۳.

. ۱۱۴-۱۲۸

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop